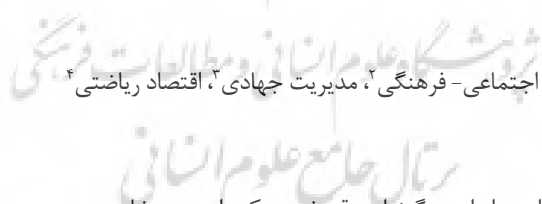


رویکرد فرهنگی - اجتماعی به مفهوم اقتصاد مقاومتی

محمد خانباشی
دکترای مدیریت دولتی
دانشگاه علامه طباطبائی

شرایط اقتصاد داخلی و محیط سیاسی پیرامون ایران به گونه‌ای رقم خورده که راهبردی خاص در مدیریت اقتصاد ملی در دستور کار قرار گرفته است که از آن با عنوان «اقتصاد مقاومتی» یاد می‌شود. اقتصاد مقاومتی نقشه راهی برای تحقق یک اقتصاد شکوفا، مترقی و خودکفا در جهت نیل به آرمان‌های بلند ملی است. این رویکرد ضمن تکیه بر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های درونی کشور و نگاه مبتنی بر دانش به مسائل، تعامل صحیح با جهان خارج را نیز دنبال می‌کند؛ یعنی رویکردی درون‌زا و برون‌نگر را در پیش می‌گیرد. اما مؤلفه‌های اقتصادی و تکنولوژیک، ارتباط تنگاتنگی با ساخت‌های فرهنگی جامعه دارند. می‌توان گفت که نحوه تولید، توزیع و مصرف اغلب با نگرش و فرهنگ اجتماعی در ارتباط است. از این رو تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند برقراری پیش‌شرط‌های فرهنگی و اجتماعی آن است. هدف اصلی این مقاله بررسی ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی اقتصاد مقاومتی است. پس از مقدمه ای در مورد نقش و تاثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی و مرور مبانی نظری، تلاش می‌شود تا با روش مطالعه مروری دیدگاه‌های صاحب نظران این حوزه، تعریفی از مفهوم اقتصاد مقاومتی ارائه شده و سپس مهم‌ترین محورهای فرهنگی - اجتماعی موثر بر آن مورد تاکید و کنکاش قرار گیرد.



واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی^۱، رویکرد اجتماعی - فرهنگی^۲، مدیریت جهادی^۳، اقتصاد ریاضتی^۴

مقدمه

شرایط اقتصاد داخلی و محیط سیاسی پیرامون ایران به گونه‌ای رقم خورده که راهبردی خاص در مدیریت اقتصاد ملی در دستور کار قرار گرفته است که از آن با عنوان «اقتصاد مقاومتی» یاد می‌شود (اخوان، ۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی از اندیشه و فرهنگ بومی ریشه می‌گیرد. مبانی تئوریک اقتصاد مقاومتی بر پایه فرهنگ اسلام و اقتصاد اسلامی است که با الگوگیری از عدالت مورد نظر مکتب اقتصادی اسلام طراحی شده است. مباحث اخلاقی اقتصاد اسلامی مانند حق طلبی، رعایت انصاف، تقوا و کار برای خدا، تولید، کسب ثروت و استفاده صحیح از آن نیز بسیار مهم هستند و به همین علت در این مکتب نیروی کار از ارزش در خور توجهی برخوردار است. اما پیاده‌سازی رویکردهای جدید نیازمند فرهنگ سازی و ایجاد بستر مناسب می‌باشد. شاید به همین علت باشد که شعار سال ۱۳۹۳ با محوریت و ترکیب هر دو مقوله اقتصاد و فرهنگ طراحی گشته است. اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که هم می‌خواهد از رشد نسبی برخوردار باشد و هم این که در مقابل نیروهای استکباری بایستد. طبیعی است که پیاده‌سازی این راهبرد نیازمند اقدامات خاصی در نظام‌های اقتصادی کشور در حوزه تولید، توزیع و مصرف و اجرای پیرامون آن است. با این حال، آن چه مهم‌تر و

1. Resistive economy
2. Socio-cultural approach
3. Jahadi management
4. Economic austeritiy

زیربنایی‌تر از این اجزا و اقدامات است، تمهید زیرساخت‌ها و بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی این موضوع مهم و ملی می‌باشد. هر چند در بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های ملی، سخن از تهیه پیوست فرهنگی-اجتماعی می‌رود، اما در این راه به چیزی فراتر از پیوست فرهنگی نیاز است و آن اطمینان خاطر از مهیا شدن زیرساخت‌ها، به ویژه در عرصه فرهنگ است. بسیاری از محققان علوم اقتصاد ریشه مسائل اقتصادی را در فرهنگ می‌دانند. میان اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور و نحوه و سبک زندگی و فرهنگ اقتصادی و الگوی ذهنی و رفتاری جامعه رابطه مستقیمی وجود دارد و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی در اصلاح فرهنگ اقتصادی، سبک زندگی مردم، الگوی مصرف و توسعه فرهنگ کار و تلاش و تولید ملی است. تحقق اقتصادی که از انعطاف و چابکی لازم در مواجهه با تهدیدات و چالش‌های بیرونی برخوردار باشد و در صورت نیاز بتواند خود را با شرایط تحمیلی تطبیق دهد به هوشمندی و هدفمندی رفتار و فرهنگ اقتصادی نیازمند است. طبیعی است متناسب با رفتار و فرهنگ اقتصادی مطلوب بایستی مؤلفه‌های جامعه‌پذیری آن نیز تبیین و عزم عمومی برای تحقق آن به لحاظ فکری و روانی بسیج گردد.

برای نمونه یکی از بارزترین جلوه‌های این مسئله را در سبک زندگی اقتصادی جامعه می‌توان دید. بسیاری از صاحب‌نظران و اقتصاددانان نیز معتقدند که بنای اقتصاد مقاومتی از دل رفتارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم بیرون می‌آید. از این رو، به نظر می‌رسد که در مقطع کنونی، نیازمند یک رویکرد انقلابی و جهادی در سبک زندگی هستیم. آن گونه که مشاهده می‌گردد، در دوره‌های اخیر، الگوهایی از سبک زندگی مصرف‌گرا (مصرف مبتنی بر لذت) و تجملاتی در جامعه ما رسوخ یافته است. حال آن که این مسئله دقیقاً در تضاد با آموزه‌های اجتماعی دین مبین اسلام در ترویج الگوی «مصرف

بر اساس نیاز» است. در چارچوب راهبرد اقتصاد مقاومتی، مسئله اصلاح الگوی مصرف امری قابل توجه و جزو نیازهای بنیادین تلقی می‌شود.

از این رو «بازمهندسی رفتار مصرف‌کننده بر اساس اقتضائات ملی» باید محور شکل‌دهی به الگوی مصرف مطلوب در اقتصاد مقاومتی باشد (اخوان، ۱۳۹۲). مؤلفه‌های اقتصادی و حتی فناوری، ارتباط تنگاتنگی با ساخت‌های فرهنگی جامعه دارند. می‌توان گفت که تولید، توزیع و مصرف یک کالا در ارتباط مستقیم با نگرش‌ها و رفتار افراد جامعه است. از این رو تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند تحقق پیش‌شرط‌های فرهنگی و اجتماعی آن است. مثال دیگری که در توضیح این ضرورت می‌توان به آن اشاره کرد، «امنیت روانی جامعه در مواجهه با تلاطم‌های اقتصادی» است (اخوان، ۱۳۹۲). یکی از ابزارهای تأثیرگذاری دشمنان در جنگ اقتصادی بهره‌گیری از نوسانات برای برهم زدن آرامش روانی حریف و ایجاد عدم تعادل در آن از طریق عملیات ادراکی است. نگرانی مصرف‌کننده از کمبود یا گرانی احتمالی یک کالا در حال حاضر یا آینده نزدیک تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد اما نکته مهم نوع مواجهه با موضوع در یک جامعه با آرمان‌های اسلامی و در حال مقاومت اقتصادی است. با اندکی برنامه‌ریزی فرهنگی و اقدامات متناسب می‌توان آسیب‌های احتمالی را برطرف نمود. توجه به این مثال‌ها، اهمیت تمهیدات فرهنگی-اجتماعی اقتصاد مقاومتی را به خوبی روشن می‌سازد. اگر فرهنگ سازی لازم در این مورد انجام شود دشمن نمی‌تواند از تحریم‌های اقتصادی به عنوان اهرم فشار بر دولت و مردم استفاده کند. اگر رویکرد ما حمایت از تولیدات داخلی و تقویت چرخه صنعت ملی باشد ابزار دشمن برای اعمال فشار در حوزه‌های اقتصادی عملاً بدون نتیجه می‌ماند. الهام بخش بودن برای حل بحران‌های اقتصادی جهان و به وجود آوردن فرصت برای مردم و فعالان اقتصادی برای نقش آفرینی

از دیگر آثار اقتصاد مقاومتی است. پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل ناکامی و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه کشور می‌شود و افزون بر آن برای برخورد با موارد مشابه در آینده نیز ظرفیت بالقوه خوبی را پدید می‌آورد. شاید این تصور برای برخی وجود داشته باشد که اقتصاد مقاومتی، فقط برای دوران گذار و شرایط تحریم و به منظور دوام آوردن در برابر فشارهای مقطعی است و اقتصادی نیست که راه را به سوی پیشرفت هموار کند. اما اقتصاد مقاومتی، در حقیقت اقتصاد پیشرفت و توسعه و رویکردی تحول خواه است که با عنایت کامل به ظرفیت‌های درونی کشور و نظام و برای شتاب بخشیدن به روند پیشرفت تنظیم گردیده است. سندی با این سطح از تفصیل و اهمیت، بیانگر جایگاه اقتصاد و اجتماع پر نشاط و دارای تحرک در ایران است. برخی این گونه تبلیغ می‌کنند که رسالت‌های انقلابی با رفاه عمومی و جامعه تولیدگر ارتباطی ندارد اما سند سیاست‌های ابلاغی به وضوح نشان می‌دهد که تولید و اقتصاد در کشور تا چه اندازه اهمیت دارد و همواره با نگاهی برآمده از تحولات دانشی و بینشی در عرصه اقتصاد، به دنبال سامان دادن اقتصاد و خلق توسعه است. سیاست‌های ابلاغ شده برای خلق اقتصاد مقاومتی، راه کلی پیشرفت کشور و اولویت‌های اقتصادی را مشخص می‌کنند. البته کار زیادی باید روی این سیاست‌ها انجام گیرد تا الگوی توسعه و پیشرفت کشور دقیق تر مشخص شود اما می‌توان ادعا کرد که اصول و اولویت‌هایی که الگوی توسعه اقتصاد کشور باید بر آن‌ها بنا بشود مشخص شده اند.

در بخش‌هایی از این سند بر فعال سازی سرمایه‌های انسانی، توسعه کارآفرینی و ارتقای درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط تأکید می‌شود که هر سه مقوله با وظایف ذاتی دولت در بخش کار و رفاه اجتماعی مرتبط است و در نهایت سیاست‌های اشتغال و رفاه

عمومی در خدمت ارتقای درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط هستند. علاوه بر این سند مذکور بر توانمندسازی نیروی کار تأکید می‌کند که این امر هم در آموزش فنی و حرفه‌ای و سیاست‌های اشتغال باید مد نظر قرار گیرد.

مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا و با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کل کشور تدوین گردیده‌اند (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).

تعریف مفهومی

بر پایه برخی تعاریف، اقتصاد مقاومتی^۱ عبارت است از یک اقتصاد پویا و متشکل از روش‌هایی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، به ویژه در شرایطی که صادرات و واردات برای آن کشور مجاز نمی‌باشد و یا به واسطه اعمال محدودیت‌های مختلف اقتصادی در شرایط فشار و تنگنا قرار گرفته است. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند (عربی، ۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های فشار و در نهایت تلاش برای کنترل و خنثی کردن آنها و در نهایت تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. برای نیل به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خودتکایی تأکید گردد. در اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای گذر از فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی مطرح است. این روش اقتصادی از نظر تعریف با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد. اقتصاد مقاومتی با وجود دشمن خارجی شکل می‌گیرد و در مقابل آن می‌خواهد از رشد و پیشرفت و عدالت و رفاه باز نماند. اما اقتصاد ریاضتی به دشمن کاری ندارد و نسبت به آن بی‌تفاوت است (جهانپان، ۱۳۹۲). برای نمونه کشورهای اروپایی، دشمنی ندارند اما نوعی اقتصاد خاص را بر پایه کاهش هزینه‌های دولت و افزایش مالیاتها و... طراحی نموده‌اند که به آن اقتصاد ریاضتی می‌گویند. این نوع اقتصاد توجهی به این ندارند که دشمنی وجود دارد یا خیر. اما اقتصاد مقاومتی می‌خواهد سیستم را در مقابل دشمن حفظ کند، رشد دهد و در عین حال عدالت را نیز تأمین کند و نظام بین‌المللی و اختصاصی کشور را آرام و با خود سازگار کند. نگاه اسلامی نیز می‌خواهد با انگیزه‌های جهادی و معنوی، مقاومت را افزایش دهد. پس تفاوت اساسی و عمده بین اقتصاد مقاومتی و ریاضتی وجود دارد. اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار پس از محاصره غزه در سال ۲۰۰۵ که ناتوانی در امر صادرات امکان صادرات و در نتیجه کشت بسیاری از محصولات کشاورزی از جمله توت فرنگی را کاهش داده بود، استفاده شد و ضوابط و معیارهای حاکم بر مفهوم اقتصاد مقاومتی شناسایی گردید (Salah, ۲۰۰۸). پس از تشدید تحریم‌ها علیه ایران در سالهای اخیر این شیوه اقتصادی در ایران نیز ترویج می‌شود و هدف اصلی آن استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کمترین بحران است. همان طور که در متن سیاست‌های ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری نیز تأکید شده است، سیاست‌های کلی اقتصاد

مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی موثر یا مرتبط با اقتصاد مقاومتی

همان‌گونه که اشاره شد هدف از اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور، ایجاد امنیت، ثبات اقتصادی و عدم تزلزل در برابر شوک‌های داخلی و خارجی است. اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی به طور قطع جامعه و اقتصاد کشور را در برابر مشکلات و تهدیدهای خارجی مصون نگاه می‌دارد. همچنین تأمین شرایط و فعال‌سازی تمامی امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد، از راهبردهای تحقق اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که درون‌زا باشد و بتواند خودکفایی ایجاد کند و در عین حال هزینه‌های کشور را کاهش دهد. لذا اقتصاد مقاومتی به عنوان یک جهاد مقدس، منحصر به زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه ساز و کار پایداری برای توسعه اقتصاد ملی و خروج از اقتصاد تک محصولی است. دستاورد اقتصاد مقاومتی، شکوفایی، رفع مشکلات معیشتی و افزایش رفاه عمومی مردم است. همچنین باید توجه داشت که این رویکرد اقتصادی، مردم‌بنیاد است یعنی اقتصاد دولتی صرف نیست، اقتصادی مردمی است که با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به فعالان اقتصادی را بر عهده دارد. برای نمونه آن‌جایی که افرادی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، دولت راه آنها را سد می‌کند و آن‌جایی که کسانی احتیاج به کمک و بسترسازی دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی و تسهیل شرایط، وظیفه دولت است. دستگاه‌های اجرایی فعال در این عرصه به عنوان نهادهای عظیم اجتماعی و اقتصادی، حوزه فعالیت‌های گسترده‌ای دارند و برنامه‌ها و اهداف اقتصاد مقاومتی با بخش قابل توجهی از سیاست‌ها و اولویت‌های آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط است. باید توجه داشت که توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری مردم در اقتصاد کشور، افزایش بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، افزایش تولید داخلی، مدیریت مصرف و افزایش ارزش افزوده که به عنوان اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی شمرده می‌شوند علاوه بر جنبه اقتصادی، از صیغه فرهنگی و اجتماعی نیز برخوردارند. تحقق اقتصاد مقاومتی در سایه توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری آحاد جامعه، بهبود فضای کسب و کار، ارتقای آموزش و مهارت، افزایش تولیدات داخلی و مدیریت مصرف، ممکن است. از آن‌جایی که مردم، جامعه هدف این مجموعه‌ها هستند، این نهادها عهده‌دار نقش اساسی

1- Resistive economy

در این زمینه می باشند. هم اکنون اصول و سیاست‌های کلی نظام در زمینه اقتصاد مقاومتی ابلاغ گردیده و در مواردی از آن به موضوعات و مفاهیم مرتبط با حوزه رفاه و تأمین اجتماعی پرداخته شده است. حوزه رفاه و تأمین اجتماعی (امدادی، حمایتی و بیمه‌های اجتماعی) نقش به سزایی در مقاومت اقتصادی دارد و بدون وجود یک چتر صیانتی، جبرانی و تأمین برای شرایط اقتصادی ناشی از بحران‌ها، تحریم‌ها و... زمینه و امکان مقاومت اقتصادی فراهم نمی‌شود (حیدری، ۱۳۹۲). بی‌تردید تقویت اقتصاد ملی بدون توجه به سرمایه‌های انسانی به عنوان محوری‌ترین عامل تولید میسر نیست و در کنار آن توجه به عدالت اجتماعی و استفاده از منابع بازتوزیعی (مالیات و بیمه) برای افزایش توازن و تعادل اقتصادی جامعه نیز از ضروریات است که در این رویکرد نیز منابع حاصل شده می‌باید در زمینه تقویت نظام تأمین اجتماعی صرف گردد. در ادامه برخی از مهم‌ترین محورهای فرهنگی - اجتماعی مرتبط با اقتصاد مقاومتی مورد تاکید و کنکاش قرار گرفته‌اند:

نگاه بلندمدت به تقویت انگیزه‌های مجاهدانه و معنوی: پیش از هر چیز باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در پی آن است تا کل سیستم را در مقابل دشمن پایداری بخشد، رشد دهد و در عین حال عدالت را نیز تأمین کند، فضای بین‌المللی و اختصاصی کشور را آرام و قابل پیش بینی (قابل مدیریت) نموده و قدرت سازگاری را تقویت کند. در عین حال می‌خواهد با انگیزه‌های جهادی و معنوی، توانایی مقاومت و انعطاف در برابر سیاست‌های مختلف را افزایش دهد. زیرا فرض بر آن است که کارهای بزرگ با حرکات عادی و احیانا خواب آلود به سرانجام نخواهند رسید و نیازمند فعالیت جدی و مجاهدانه است (خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). به علاوه چنین حرکتی باید از دو ویژگی دلسوزانه بودن و استمرار برخوردار باشد. استمرار بخشیدن به کارهای فرهنگی و اجتماعی در این حوزه از آن جایی بیشتر ضرورت خود را نشان می‌دهد که بدانیم یکی از نقاط ضعف جامعه ایرانی نگاه کوتاه مدت آن نسبت به مسائل است و اصلاح این رویکرد مستلزم کار فرهنگی در بلندمدت است.

توجه به اهمیت و جایگاه کلی فرهنگ در اقتصاد مقاومتی: مجموعه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در واقع الگویی بومی و علمی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و متناسب با وضعیت امروز و فردای کشور است. از این جهت نقش مسائل فرهنگی - اجتماعی به عنوان پیش زمینه، تسهیل کننده و بستر ساز، بسیار مهم است و نباید به این مقوله به عنوان موضوعی صوری و نمایشی نگاه کرد. متأسفانه چنین دیدگاهی در سالیان اخیر کمابیش به عنوان یک آفت در این حوزه وجود داشته است. نام گذاری سال ۱۳۹۳ اهمیت فرهنگ را در کنار اقتصاد و حتی تقدم آن را بر اقتصاد نشان می‌دهد. همچنین تأکیدی بر عزم ملی و اهتمام عموم ملت به حماسه فرهنگی و اقتصادی در کنار اعمال مدیریت جهادگونه توسط مدیران و مسئولان است.

آگاهی، اعتقاد و خواست مردم مهم ترین عامل توفیق سیاست های اقتصاد مقاومتی در بلندمدت است. با تأکید بر سه عنصر ایمان، پرکاری و ساده‌زیستی به عنوان اصل و مبنای شکل‌گیری این حماسه باید گفت که مقوله فرهنگ مکمل و زمینه ساز اقتصاد مقاومتی است. از این رو دستگاه‌های سیاست‌گذار و اجرایی می‌بایست متوجه وظایف قانونی خود در این عرصه باشند. همچنین می‌توان به گسترش و نهادینه ساختن فرهنگ فسادستیزی و تاکید بر قبح آن از دوران کودکی و با محوریت مدرسه، دانشگاه، خانواده و سایر مراکز تولید محصولات فرهنگی، اشاره داشت. بدون تردید رسانه‌های گروهی و مسئولان مراکز فرهنگی در این زمینه نقش شایان توجهی دارند. ضمناً باید تا حد ممکن از برخوردهای شعاری و سیاسی با این مقوله پرهیز شود چرا که نتایج عملی و ملموس برخوردار با فساد و پیشگیری از رشد آن بسیار اثرگذارتر و عمیق تر و ماندگارتر از شعارها و اقدامات مقطعی و بدون نتیجه است.

توجه به آرمان های مکتب اسلام: اقتصاد مقاومتی مبتنی بر مکتب اقتصاد اسلامی و آرمان های آن است. معنویت، امنیت، پیشرفت، عدالت و ایجاد نظم نوین بین المللی جزو این اهداف است. معنویت باعث می‌شود که انگیزه جهاد و مقاومت افزایش پیدا کند. امنیت باعث می‌شود تا نظم لازم برای حرکت نظام اقتصادی فراهم شود. پیشرفت هم باعث می‌شود که امکان عقب ماندگی (در شرایط تحریم) کاهش پیدا کند. همچنین امکان تضعیف در برابر دشمن هم به شدت کاهش پیدا می‌کند. عدالت باعث می‌شود که تعهد مردم به نظام و همچنین مقاومت مردم در یک نظام عادلانه افزایش یابد. پنجمین هدف اقتصاد مقاومتی که با اقتصاد اسلامی هماهنگ است امن کردن محیط نظام اقتصادی است یعنی محیط اطراف اقتصاد کشور را باید با روش‌های مختلفی که در سیاست‌های ابلاغی هم مطرح شده است، امن کرد. به این ترتیب ارائه تصویری روشن، صحیح و واقع بینانه از اقتصاد مقاومتی به روش های مناسب یکی از پیش نیازهای هر برنامه و اقدام عملی است.

تکریم فرهنگ جهادی: تقویت فرهنگ جهادی و جهت گیری عزم ملی در راستای ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، افزایش بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان یا تندیس اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این حوزه‌ها از جمله راهکارهای فرهنگی - اجتماعی تغییر نگاه جامعه است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). بدیهی است که پشتیبانی نظام اسلامی از افراد کارآفرین و نوآور که به واسطه ابتکار، سرمایه گذاری صحیح و دقیق و کارآفرینی به انباشت و گردش مفید ثروت در جامعه کمک می‌کنند، بسیار حائز اهمیت است و به موازات قطع دست مفسدان اقتصادی حتماً باید به حمایت از سرمایه گذاران خودم توجه خاصی صورت گیرد تا روح کارآفرینی سالم و کسب ثروت صحیح در

جامعه زنده بماند. در این زمینه می توان به جشنواره های کارآفرینان برتر که همه ساله زیر نظر دستگاه های اجرایی برگزار می گردد، اشاره نمود و یا تبلیغات مناسب و برگزاری مراسم مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر و نظایر آن برای تکریم مقام کارگران و کارآفرینان در جامعه که در حال حاضر نیز مراسمی در این زمینه به صورت منظم و سالیانه برگزار می گردد. این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که کارگران به عنوان یکی از خطوط مقدم جبهه اقتصادی در کشور عمل می کنند و از این جهت وزنه ای قابل توجه به شمار می روند.

توجه به نقش زنان: در حوزه مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی نقش زنان و مادران در فرهنگ سازی از طریق آموزش های عمومی در سطوح پایینی جامعه و خانواده حائز اهمیت است اگر چه ممکن است اثرات آن در بلندمدت خود را نشان دهد اما قطعاً تحولات پدید آمده از پایداری و اثربخشی قابل قبولی برخوردار خواهند بود. از آن جا که تعداد زیادی از مربیان و معلمان مدارس، زن هستند، می توانند از طریق آموزش صحیح به کودکان و نوجوانان، نقش زیادی در تحقق اقتصاد مقاومتی داشته باشند (نویخت، ۱۳۹۲). لازم است با توجه به ظرفیت های زنان برای تحقق اقتصاد مقاومتی، در جهت هدایت و حمایت زنان در این عرصه تلاش شود. نباید تنها مردان را مسئول تحقق اقتصاد مقاومتی دانست و به طور قطع باید زمینه را برای حضور زنان در این عرصه نیز فراهم کرد. با توجه به حضور چشمگیر و گسترده زنان در حوزه های مختلف اعم از عرصه اجتماع و خانه، آنان می توانند در ایجاد باور فرهنگی در زمینه ضرورت تحقق اقتصاد مقاومتی نقش زیادی داشته باشند. در این زمینه نقش زنان شاغل به ویژه زنان شاغل سرپرست خانوار و یا کارآفرین از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

استفاده از ظرفیت های فرهنگی دینی و ملی: استفاده از ظرفیت های دینی، ملی و ارزشی برای جا انداختن فرهنگ اقتصاد مقاومتی به ویژه در جامعه ای همچون ایران قابل انکار نیست. برای مثال ظرفیت مبلغان مذهبی و یا تاکید عملی بر رفتار و سبک زندگی رزمندگان اسلام در طول دفاع مقدس که یکی از مصادیق بارز اقتصاد مقاومتی و ایثار گونه است. همچنین در نمایشگاه های مناسبی با اردوهای راهیان نور یا مناسبت های ملی و مذهبی می توان این محورها را به طور ویژه مورد توجه و تاکید قرار داد.

فرهنگ سازی و اطلاع رسانی برای رفع موانع حضور فعالان مردمی در عرصه اقتصادی: محیط فضای کسب و کار باید برای تولید مهیا شود. هم اکنون قوانینی برای بهبود این فضا تصویب شده اند اما شاهد آن هستیم که آن گونه که باید و شاید اجرا نشده اند. نباید جوانان کارآفرین یا خوداشتغال برای آغاز کار به انواع و اقسام مجوزهای گوناگون نیاز داشته باشند. بخشی از مشکلات مربوط به این حوزه مدیریتی و اجرایی است اما باید در خصوص رفع این موانع کار فرهنگی و اصلاح رسانی صحیح و دقیق در جهت الزام نهادهای ذیربط به پاسخگویی بیشتر به عنوان یک گام تکمیلی صورت پذیرد.

کاهش آسیب های اجتماعی از طریق اقتصاد مقاومتی: طبق آخرین اعلام سازمان ملل متحد، مشکل اشتغال به یکی از بحران های بزرگ اجتماعی در سراسر دنیا تبدیل شده است که ایران نیز به عنوان یک کشور جوان از این قاعده مستثنی نیست. با افزایش جرمی همچون سرقت های خرد، نابسامانی های اجتماعی و از همه مهم تر پیری جمعیت، مسئولان امر بیش از پیش به اهمیت مقابله با معضل چند وجهی بیکاری جوانان پی برده اند. این در حالی است که کارشناسان معتقدند بیکاری سبب عدم استقبال جوانان از ازدواج شده است و با حل مشکل بیکاری درصد زیادی از معضلات کنونی کاهش خواهد یافت. در این میان مسئله ای که عموماً مغفول مانده میزان رضایتمندی افراد از شغل و کار است. طبق آخرین اعلام سازمان ملل متحد، مشکل اشتغال به یکی از بحران های بزرگ اجتماعی در سراسر دنیا تبدیل شده است. این در حالی است که با وجود مشکل اشتغال، آنها مجبورند تحت هر شرایطی به ادامه فعالیت بپردازند. بررسی ها نشان می دهد، عدم رضایت مندی از شغل و عدم امنیت شغلی، امید به آینده را کاهش می دهد و بسیاری از مولفه های روانشناختی و اجتماعی را دستخوش آسیب می نماید. پژوهش ها نشان می دهند که اعتیاد، فساد، سرقت های خرد و کلان، کلاهبرداری ها و... آسیب های اجتماعی هستند که بیشتر بر اثر فقر به وجود می آیند. بنابراین مقابله با مشکل بیکاری و تورم صرفاً یک مقوله اقتصادی نبوده و دارای ابعاد پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که نباید از آن غفلت نمود. به گفته کارشناسان یکی از شاخص های اصلی نشاط اجتماعی رضایت مندی از شغل و علاقه به آن است و عدم رضایت و امنیت شغلی علاوه بر تهدید نشاط اجتماعی دلیل عمده بروز استرس و نگرانی

اجتماعی است. این نگرانی‌ها در صورتی که انباشته شوند می‌توانند اثرات بسیار مخرب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی داشته باشند.

نقش پشتیبانی رسانه‌ها و موسسات فرهنگی: استفاده از ظرفیت موسسات فرهنگی نظیر نشریات، صدا و سیما و سینما برای توسعه و تقویت فرهنگ اقتصاد مقاومتی به شیوه‌های گوناگون و در صورت نیاز از طریق اختصاص بودجه‌های حمایتی برای کارهای فرهنگی- اجتماعی در این حوزه ضرورت دارد. لازمه اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی ایجاد خودباوری و اعتماد در تولیدکنندگان داخلی و ارزش گذاری و توسعه فرهنگ کار است که می‌توان از طریق انجام تبلیغات مناسب نسبت به آن زمینه‌سازی مطلوبی را صورت داد. صدا و سیما و سایر رسانه‌های گروهی کشور در این زمینه نقش بسیار برجسته و شایان توجهی دارند. نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی برای رواج آموزه‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند بسیار یاری دهنده باشد. در شرایط امروز کشور به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجمی نیاز دارد که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به خوبی و در بسته‌بندی‌های مناسب به مردم عرضه کند؛ همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس دستگاه‌هایی مسئول این امور بودند و برای آن فکر می‌کردند. بنابراین باید از ظرفیت همایش‌ها، سخنرانی‌ها، اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و حتی مجالس مذهبی و هیئت‌ها برای رسیدن به این مقصود استفاده مناسب صورت گیرد. به طور کلی تعامل با رسانه‌ها به عنوان عنصری مهم و کلیدی از دایره مخاطبان دولت، به لحاظ اثربخشی آنان بر سایر ذینفعان، همواره از مهم‌ترین کانون‌های توجه بوده است. در این شرایط به نظر می‌رسد این رابطه باید با هدف اعتمادسازی بیشتر در میان جامعه دستخوش تغییراتی شود. سرعت در انتقال اطلاعات، واکنش مناسب و به هنگام در مواجهه با کاستی‌ها، قابل دسترس کردن مدیران برای شفافیت بیشتر فضای اطلاع رسانی به جامعه و برگزاری نشست‌های تخصصی با رسانه‌ها با هدف تبیین صادقانه‌تر مسائل و انتظارات موجود پیرامون بحث اقتصاد مقاومتی و به طور کلی پایش و اطلاع رسانی دقیق و صادقانه به مردم، بخشی از راهبردهای پیشنهادی در این زمینه است.

فرهنگ سازی برای مشارکت جمعی: فرهنگ سازی و ایجاد الگو برای انجام کارهای گروهی و مسئولیت پذیری اجتماعی در قبال یکدیگر و کل جامعه یکی از موضوعات مهم در عرصه فرهنگی است. از الزامات مهم اقتصاد مقاومتی، مسئولیت پذیری است. مسئولیت پذیری مردم و مسئولان نشان دهنده آن است که همه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند. نه تنها دولت بلکه همه آحاد جامعه بر اساس تکالیفی که وجود دارد باید در این راستا احساس مسئولیت کنند. بدیهی است برای هر فرد در هر قشری که قرار دارد و با هر سطح از توانایی، تکلیف متفاوتی وجود دارد. البته تأمین شرایط، آماده سازی بسترها و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط، از وظایف کلی دولت در این رابطه است. آموزش و تقویت کار گروهی و حفظ امنیت روانی جامعه در دوران مواجهه با تلاطم‌های اقتصادی نیز مثال دیگری است. در این زمینه می‌توان به نقش مهم ستادهای بحران و نیز کمیته‌های پدافند غیرعامل در کشور اشاره کرد. با توجه به این که مدت زمان نسبتاً زیادی از تشکیل و فعالیت این کمیته‌ها در دستگاه‌های و نهادهای عالی اجرایی کشور می‌گذرد به نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی- اجتماعی و اطلاع رسانی آنها، موثر و قابل توجه می‌باشد.

نقش آموزش و پرورش در سطوح پایه: تلاش برای گفتمان سازی در حوزه اقتصاد مقاومتی در سطوح پایه از طریق گنجاندن آن در متون درسی مدارس، شرح درس‌ها یا دروس اختیاری دانشگاه‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی نهادهای دولتی و خصوصی به ویژه دستگاه‌های اجرایی با تأکید خاص بر حوزه فرهنگی- اجتماعی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی. البته به عقیده بسیاری از کارشناسان، امنیت اقتصادی واقعی و دائمی در بلندمدت منوط به بسته شدن دست مفسدان اقتصادی است اما به طور کلی لازم است نظام آموزشی و پژوهشی ما متناسب با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی جهت گیری کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان، نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. با استفاده از نظام آموزش و پرورش باید کاری کرد که در ذهن جوانان و نوجوانان همواره دغدغه صیانت از امنیت اقتصادی کشور مطرح باشد. تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به یک گفتمان رایج و محوری در

نیست و در هر گونه پیشرفت اقتصادی کشور باید وضعیت طبقات محروم و متوسط جامعه به معنای واقعی کلمه، بهبود یابد. عدالت از این جهت حائز اهمیت استراتژیک است که باعث می‌شود علاقه و تعهد مردم به دولت و همچنین احساس همبستگی ملی و مقاومت آنان افزایش پیدا کند. اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری همچون رشد ملی، تولید ناخالص ملی و مانند آن اکتفا نمی‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۰). پرسش درباره اقتصاد مقاومتی، معیارهای عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه یکی از معیارهای مهم در اقتصاد مقاومتی است اما معنای آن بی‌اعتنایی به شاخص‌های علمی و عقلانی روز دنیا نیست. یعنی به شاخص‌های منطقی جهانی هم توجه می‌شود اما با محوریت «عدالت». ضمناً عدالت در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست بلکه به معنای تولید و افزایش ثروت ملی است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها و همچنین ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، تأکید دارد. لازم به ذکر است که دستگاه‌های فرهنگی-اجتماعی در زمره مجریان طرح هدفمندسازی و متولی سیاست‌های رفاهی معطوف به عدالت اجتماعی به شما می‌روند.

پرهیز از مصرف گرایی و توجه به اصلاحات فرهنگی: به نظر می‌رسد در سالیان گذشته و با دور شدن از دوران پیروزی انقلاب به تدریج نشانه‌هایی از گسترش تامل برانگیز فرهنگ مصرف گرایی، اسراف و تبذیر در میان مسئولان و مردم ملاحظه می‌گردد. یکی از موارد تأکید شده در سیاست‌های ابلاغی رهبری در بخش اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). از جمله مهم‌ترین عوامل موثر بر اصلاح الگوی مصرف، فرهنگ سازی در خانواده و جامعه است. طبیعی است که مدیریت صحیح زنان در تربیت فرزندان و شکل‌دهی به امور جاری خانواده‌ها در این راستا نقش بسیار بارزی دارد. البته دوری از مصرف زدگی و اسراف به معنای رهبانیت نیست بلکه به معنای تعمیق فرهنگ استفاده منطقی از مواهب و منابع کشور در جهت توسعه پایدار همراه با تلاش مجاهدانه برای بهبود همه جانبه شاخص‌های زندگی برای نسل‌های کنونی و آتی است. با عنایت به نقش برجسته مسئولان ارشد و مدیران اجرایی در جهت دهی به روند حرکت جامعه و نیز بر مبنای سیاست‌های ابلاغ شده اقتصاد مقاومتی، پرهیز از مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی در سازمان‌های عمومی از طریق الگوسازی توسط مدیران ارشد از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. لذا سازمان‌های بخش عمومی باید این مهم را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند و به عنوان یک مولفه فرهنگی-اجتماعی موثر در تحقق اقتصاد مقاومتی به آن نگاه کنند.

همکاری دولت، بخش خصوصی و نهادهای مردمی: تامین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد

دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی یک ضرورت است اگرچه زمان بر باشد. صحبت کردن، نوشتن و گفت‌وگو پیرامون این موضوع و توجه به ابعاد مختلف آن، در سرعت حرکت به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. این مسأله باید در کلاس‌های درس و پروژه‌های علمی از محققان و نخبگان خواسته شود و از سوی استادان علوم اجتماعی و اقتصاد، جدی گرفته شود. مجموعه این مطالب، درآمدی است بر مسأله اقتصاد مقاومتی جهت آغاز بحث‌های علمی به ویژه به منظور تشکیل چرخه علم تا ثروت مخصوصاً در بخش‌های دارای مزیت. البته مطالب هر بخش نیازمند تفصیل بیشتر و نقشه راهی مشروح است که پیگیری دستگاه‌های مسئول در هر بخش را می‌طلبد.

مدل سازی یا طراحی الگوی سبک زندگی منطبق بر اقتصاد مقاومتی: طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به ویژه دوستداران انقلاب اسلامی مهم است. یعنی ما چه الگوی مشخصی را برای بدنه مردم ارائه می‌دهیم تا از نیازها و مقتضیات امروز کشور و نوع سبک زندگی متناسب با آن آگاه شوند؟ ضروری است به منظور ارتقای سطح سلامت مادی و معنوی جامعه، سبک زندگی سالم بر پایه آموزه‌های علمی-اسلامی و سیره پیشوایان دینی در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی از جمله تغذیه سالم، ورزش همگانی، کاهش فشارهای روانی و پرهیز از رفتارهای آسیب‌زا مدنظر قرار گرفته و به آن اهتمام شود. در سطحی بالاتر باید دولت را به اتخاذ سبک مناسب اداره امور و سپس مردم را به سبک زندگی متناسب با مقتضیات روز تشویق کرد تا بدین وسیله این سبک زندگی بهینه در جامعه پررنگ و تحکیم شود. وقتی شیوه زندگی در جامعه بر اساس «تقویت اعتماد به نفس و عزم ملی، روحیه جهادی و پرهیز از فساد» طراحی شود، می‌توان به کارآمدی آن امیدوار بود. توجه به معنویت دینی و اخلاقیات در این سه‌گانه، نقشی اساسی ایفا می‌کند. این مهم باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با انقلاب اسلامی پیگیری و نظام تعلیم و تربیت خاصی برای مقاومت و جهاد اقتصادی، تبیین، طراحی و اجرا گردد. بدیهی است اقتصاد مقاومتی بر پایه سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است. بدون سلامت مادی و معنوی، مقاومت، شکننده خواهد بود. اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی از یکدیگر جدا نیستند. در شرایط کنونی ما نمی‌توانیم با شیوه مصرف‌گرایی افراطی و مطالبه بیش از حد کالاهای خارجی زندگی کنیم و شعار اقتصاد مقاومتی بدهیم. برای رسیدن به این مقصود باید فرهنگی مقاوم را پایه ریزی نمود.

عدالت محوری در اقتصاد مقاومتی: سه حوزه مبارزه با فقر، اشتغال و رفاه عمومی سه حوزه عمده فعالیت نهادهای اجتماعی-اقتصادی است و هدف اصلی در این سه حوزه کاری برقراری عدالت اجتماعی می‌باشد. توجه به عدالت اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها است زیرا در نظام اسلامی، رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی مورد پسند

جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. تحقق اقتصاد مقاومتی تنها بر عهده دولت نیست بلکه لازم است مردم نیز در این جهت تلاش کنند. منظور از مردم، بخش خصوصی و نهادهای مدنی (سازمانهای اجتماعی مردم نهاد) هستند. برای اجرای این مهم نیاز به برنامه‌ریزی جهت تقویت مبانی فرهنگی-اجتماعی حضور بخش‌های دیگر در کنار دولت است. معارف اسلامی نیز بر همراه بودن دست خدا با اجتماع مردم تأکید خاصی دارند لذا حضور مردم در میانه میدان کارزار اقتصادی با همراه با امکانات و مقدرات شان در جهت پیشبرد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

ایجاد عزم و باور عمومی: نخستین گام برای مشارکت مردم در این زمینه، ایجاد عزم و همت همگانی در کلیه آحاد جامعه و تحکیم اعتماد عمومی است. برای دستیابی به این هدف ابتدا باید باور عمومی نسبت به نقاط قوت و کارآمدی اقتصاد مقاومتی و ضرورت تحقق آن شکل پیدا کند. فرهنگ‌سازی عمومی در جامعه می‌تواند به این باور شکل دهد. برای نمونه، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد می‌توانند منشأ تحول فرهنگی در سطح جامعه باشند لذا با توجه به این که مساجد، اصلی‌ترین مکان برای تحقق اقتصاد مقاومتی هستند باید از این کانون‌ها برای تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و گسترش اندیشه‌های اسلامی استفاده گردد. توجه به عنصر مردم محوری و حضور واقعی و حداکثری آنان در اقتصاد، مهم است. ایفای نقش در یک جهاد مقدس اقتصادی، ممانعت مردمی از شکل‌گیری انحصار، تقویت بدنه مردمی نظارت‌ها، شکوفایی ظرفیت‌های خلاقانه عمومی برای تنوع بخشی به راهکارهای مقابله با تحریم، تقویت مردم‌سالاری دینی، آموزش واکنش‌های صحیح اجتماعی در مواقع بحران

از جمله در مقابل تحریم‌ها، کاهش فشارهای روانی و تشویق رفتار صبورانه در مقابل اقدامات ایذایی دشمن از جمله برکات حضور حداکثری مردم در اقتصاد خواهد بود.

فرهنگ سازی برای مصرف کالاهای ایرانی: تأکید بر اهمیت موضوع استقلال داخلی و خودکفایی کشور از طریق برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده و آگاه سازی افکار عمومی راجع به طرح‌های دشمنان در این زمینه اعتماد عمومی و در نهایت همکاری جمعی را برای تحقق اهداف مربوط به دنبال دارد. مصرف کالاهای داخلی (مثل دارو، پوشاک، لوازم یدکی، فرآورده‌های کشاورزی و...) و خودداری از ورود بی رویه کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی از آن رو حائز اهمیت است که ورود هر کالای خارجی برابر با بیکاری یک یا چند کارگر ایرانی خواهد بود. همه ما شاید به نوعی این مطلب را شنیده باشیم اما ایجاد درک عمیق از ابعاد آن و باور به این موضوع و نهادینه سازی آن نیازمند فعالیت کافی و موثر در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است. هر چند که از وظیفه مهم تولیدکنندگان داخلی برای افزایش کیفیت کالاهای و خدمات نیز نباید غفلت شود. سند اقتصاد مقاومتی خواهان ترویج مصرف کالاهای داخلی است و مسئولان حوزه کار و بخش‌هایی که دارای وظایف و مأموریت‌های فرهنگی هستند باید چرایی ضرورت استفاده از کالاهای داخلی را برای مردم تبیین کنند. تجربه همه کشورهای توسعه یافته و کشورهایی که از نیمه قرن بیستم به بعد توسعه یافتند نشان دهنده سیاست‌های مشخص حمایت از تولیدات داخلی حتی در شرایط پایین تر بودن کیفیت و البته با حفظ شرایط حرکت به سوی ارتقای کیفیت است. هیچ کشوری با گشودن بازارهایش به روی کالاهای و خدمات خارجی، قادر به ایجاد صنایع و تولید محصولات داخلی نخواهد بود و در این مسیر مردم نیز باید از تولید کالاهای و خدمات داخلی حمایت کنند حمایت از تولید داخلی

باید به عزم ملی بدل شود که نیازمند برنامه است. باز کردن بی ضابطه بازارهای داخلی به روی واردات، اقتصاد آینده را تخریب خواهد نمود. همچنین می‌توان تجربه کشورهای دیگر را در زمینه حمایت از تولیدات داخلی مستندسازی و منتشر کرد و با برنامه‌های مناسب فرهنگی-اجتماعی و آموزشی-تربیتی به اطلاع مردم رساند تا مشخص شود که چگونه دیگران با اتخاذ این سیاست‌ها به جایگاه فعلی رسیده اند. این یعنی تکیه بر ظرفیت‌های داخلی.

ارج نهادن به کار و توسعه فرهنگ آن: فرهنگ سازی برای تقدس بخشی به کار و تولید به منظور ارائه کالاهای و خدمات مطلوب و باکیفیت و تبدیل این ارزش دینی به یک ارزش اجتماعی فراگیر بسیار مهم است. تولیدکننده و مصرف‌کننده باید این باور را داشته باشند که می‌توان بر روی پای خود ایستاد و می‌توان با بالا بردن بهره‌وری و کیفیت، اعتماد عمومی را جلب کرد تا مردم کمتر مایل به خرید اجناس وارداتی باشند. تجربه دوران سخت تحریم‌های اخیر علیه کشورمان به همگان اثبات کرد که تنها در صورت ارتقای سطح کیفیت و رقابت پذیر ساختن محصولات، می‌توانیم با کالاهای و خدمات خارجی رقابت کنیم.

سه‌م‌بری عادلانه عوامل: سه‌م‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی (نیروی کار) از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه اندوزی حائز اهمیت است. همچنین برخورداری از تأمین اجتماعی یکی از حقوق بنیادین کار و از جلوه‌های بارز سهم‌بری عادلانه عامل انسانی در بین سایر عوامل تولید می‌باشد. بخش مهمی از سیاست‌های ابلاغی به طور مستقیم بر افزایش سهم سرمایه انسانی در زنجیره تولید تأکید می‌کنند و این بدان معنا است که سیاست‌های آموزش و بهسازی نیروی کار و ارتقای خلاقیت و کارآفرینی باید با جدیت بیشتر و با برنامه عملیاتی مشخص

دنبال شود. همچنین نباید از یاد برد که منابع انسانی مهم ترین منبع سازمانی و اجتماعی است به ویژه در کشوری که از لحاظ بودن نیروی انسانی جوان ظرفیت بسیار مطلوبی دارد (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).

تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی: یکی از عرصه‌های مهمی که لازم است بیش از پیش مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد مقوله سرمایه اجتماعی در جامعه امروز ایران است. این مفهوم به معنای میزان حس اعتماد و مشارکت اجتماعی آحاد جامعه در روند زندگی اجتماعی می‌باشد و مشتمل بر مولفه‌هایی چون اعتماد درونی، سیستم شبکه‌ای، کارآمدی نهادهای مدنی، میزان اخلاق‌مداری و عملکرد مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک (پذیرفته شده) است. ارتقای سطح سرمایه اجتماعی عاملی برای تقویت تفاهم ملی از طریق بهبود سطح انسجام اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی و در نهایت توسعه شبکه‌های جمعی در سطح جامعه است. سرمایه اجتماعی از آن رو مقوله‌ای مهم تلقی می‌شود که وابستگی متقابل و محکمی با سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی دارد و می‌تواند بستر و محملی برای شکل‌گیری و استواری اقتصاد مقاومتی باشد. ضمناً به تسریع توسعه اقتصادی و فرهنگی و اطلاعاتی و رشد و بالندگی جامعه یاری می‌رساند و موجب ایجاد حس همکاری و همیاری و مشارکت میان اعضای جامعه می‌شود. از دیگر سو با کاهش و افول سرمایه اجتماعی، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت منفی، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امور خیریه، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسلی خواهیم بود که بررسی اهمیت و میزان تاثیرگذاری هر یک از این متغیرها خود نیازمند تحقیقات مفصل اجتماعی است. همچنین اغلب تحقیقات انجام شده طی سالیان اخیر نشان می‌دهد که جامعه امروز ما با رشد فزاینده و نامتعارف پدیده فردگرایی و یا در حالت خوش بینانه آن جمع‌گرایی محدود مواجه است که باید از آسیب‌های ناشی از آن پیشگیری و یا کاسته شود. کاهش اعتماد عمومی به خصوص در جایی که دولت‌ها نیازمند همکاری جمعی و مشارکت مردمی هستند می‌تواند بسیار چالش برانگیز باشد. لذا سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از عوامل تقویت اقتصاد کلان مطرح است و از آنجا که باعث توسعه شبکه روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌شود و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ همبستگی کمک می‌کند، در شرایط کنونی تحریم‌ها، می‌تواند برگ برنده‌ای برای عملیاتی شدن راهبرد «اقتصاد مقاومتی» باشد چرا که در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی، این سرمایه اجتماعی است که به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره داشته و با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند به گونه‌ای که در غیاب سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثربخشی و هم‌افزایی خود را از دست می‌دهند. کشور ما به علت وجود مذهب و زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری‌ها و احترام عامه مردم به یک رشته اصول و ارزش‌ها، دارای عناصری از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است. با مدیریت صحیح رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها، می‌توان به تحکیم هر چه بیش‌تر مولفه‌های موثر در سرمایه اجتماعی پرداخت و از این رهگذر «اقتصاد مقاومتی» را با قوت بیشتری عملیاتی نمود. در راستای بهبود و تقویت سرمایه اجتماعی، مطالعه، شناسایی و تقویت عوامل تاثیرگذار بر بروز و گسترش رفتارهای شهروندی سازمانی در سازمان‌های عمومی و نیز رفتارهای شهروندی اجتماعی در سطح جامعه می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

گسترش حضور مردم در اقتصاد: در مجموع به نظر می‌رسد حداقل در چهار سطح تصمیم‌سازی، مدیریت، نیروی کار و سرمایه می‌توان فرصت‌هایی را برای گسترش حضور مردم در اقتصاد فراهم نمود. در لایه تصمیم‌سازی و مدیریت کلان، تقویت نهادهای مردمی و تفویض اختیار به آنان اصل مهمی است. ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی از آن جهت شایان توجه است که اقتصاد مقاومتی از نظر ماهیت، اقتصادی مردمی است. حضور فعالانه انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و تشکل‌های توانمند و تخصصی در سطح اقتصاد باعث جلوگیری از شکل‌گیری و گسترش انحصار و تحکیم حرکات‌های جمعی، هم‌افزا و جهادی خواهد شد. در این رویکرد دولت به جای تعامل با خود بنگاه‌ها با تشکل‌های جمعی و نمایندگان بنگاه‌ها مواجه خواهد بود. اگر قرار باشد به نهادهای سازمانی موازی در اقتصاد مقاومتی اقدام کنیم، هیچ لزومی ندارد که این نهادسازی را صرفاً دولت انجام دهد، بلکه ضروری است مردم نیز به همان نسبت و حتی بیشتر وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری شود. اکنون که بحث تحریم‌ها و مشکلات بانکی، مالی و مبادله پول مطرح است، نهادهای اقتصادی مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ای

داشته باشند، هم در مقابله با تحریم‌ها از طریق کارهای فرهنگی - اجتماعی همچون تشکیل کمپین‌های اعتراضی و هم در یاری دولت در جهت حل مشکلات موجود. لذا اگر فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق کشور در عرصه اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود. در نتیجه گسترده شدن حوزه اثرگذاری دولت در سطح خرد از طریق اعتباربخشی به تشکلهای به همگرایی میان دولت و بنگاه‌ها و ایجاد امکان گفتگوی موثر و انتقال نظام مند پیشنهادها و انتقادهای آنان به دولت از طریق این نهادها منجر می‌شود.

اطلاع رسانی و تقویت فرهنگ کارآفرینی و تعاون: یکی از کانال‌های درآمدزایی در سالیان اخیر کارآفرینی در عرصه مشاغل خانگی از جمله صنایع دستی و هنری بوده که به دلیل عدم اطلاع رسانی و فرهنگ سازی صحیح، به موقع و کافی در این عرصه به اندازه‌ای که باید و شاید با اقبال مواجه نشده است. آموزش کافی، فرهنگ سازی، ایجاد مراکز خبری متعدد و نیز فراهم ساختن شبکه‌های ارتباطی محکم و قابل اتکا در جهت پشتیبانی از توسعه و ترویج این پدیده اقتصادی و نیز بازتاب مسائل و مشکلات این صنف به مدیران و مسئولان، در جهت تقویت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور، سودمند و موثر به نظر می‌رسد (خنیفر و دیگران، ۱۳۸۹). در بخش نیروی کار نیز توجه به عنصر تعاون با رویکرد توسعه اشتغال و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های موجود در سطح سرمایه، تاکید بر افزایش سهم مردم در مجموعه سرمایه‌گذاری‌ها به صورت خرد و کلان از اهمیت برخوردارند. همچنین افزایش سود حاصل از مشارکت‌ها و تمهید بسترهایی برای انجام سرمایه‌گذاری تولیدی و خدماتی برای عموم مردم به منظور گسترش سهم عمومی در مجموعه اقتصاد (بدون شکل‌گیری انحصار و رانت‌های سرمایه‌ای) باید در دستور کار قرار گیرد (خسروی پور و دیگران، ۱۳۹۰).

توجه به سرمایه‌های انسانی: آموزش و بهسازی سرمایه‌های انسانی و نیروی کار کشور با تاکید بر تحقق آموزه‌های مدیریت منابع انسانی از موارد بسیار مهم است. شایان ذکر است که بسیاری از موانع و مشکلات نظام اقتصادی کشور از سوء مدیریت و عملکرد نامطلوب مدیران سازمان‌ها در زمینه آموزش، بهسازی و توسعه منابع انسانی به خصوص غفلت از کارآموزی و آموزش عملی در محیط کار و متناسب با نیازهای روز کشور ناشی می‌گردد. به این ترتیب، تقویت عوامل تولید، به ویژه توانمندسازی نیروی کار و اصلاح نقاط ضعف موجود در این حوزه می‌تواند راهگشای بخشی از موانع موجود بر سر راه بنگاه‌های بزرگ و کوچک در کشور باشد (ابطحی، ۱۳۸۹).

بهره‌گیری از ابزارهای مالی اجتماعی: در حوزه بیمه‌ها نیز تلاش برای توسعه پوشش کمی و کیفی بیمه‌های اجتماعی یکی از جلوه‌های بارز و تأثیرگذار "اقدامات و همکاری‌های جمعی" است و به همین علت یکی از روش‌های مؤثر در ارتقاء درآمد و نقش طبقات ضعیف و متوسط

نیز استفاده از مکانیزم بیمه‌های اجتماعی در راستای صیانت از اقشار آسیب پذیر در جهت مورد نظر می‌باشد. وضع "مالیات اجتماعی" جهت تأمین منابع مالی لازم برای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی نیز مهم است. به نظر می‌رسد آن چه که در افزایش مالیات بر ارزش افزوده برای تأمین یا تکمیل بودجه سلامت رخ داد می‌تواند برای تقویت بیمه‌های اجتماعی و سلامت انجام شود. بخش مهمی از سیاست تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار نیز در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و به ویژه بیمه‌های اجتماعی تعریف می‌شود چرا که برخورداری از پوشش‌های بیمه اجتماعی، درمان و بازنشستگی، تضمین معیشت و سلامت نیروی کار و همچنین ایجاد آرامش خاطر و اطمینان و امید به آینده، در توانمندسازی پیاده نظام (سربازان خط مقدم) اقتصاد مقاومت نقش شایانی خواهد داشت (حیدری، ۱۳۹۲).

بهره‌گیری از ظرفیت هدفمندسازی یارانه‌ها: در یکی از بندهای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی «جهت‌گیری هدفمندسازی یارانه‌ها به سمت اشتغال و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی» تکلیف شده است که مصداق بارز آن، جهت بخشی عادلانه منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها برای تقویت نظام تأمین اجتماعی می‌باشد. در این مسیر می‌توان از سیاست‌هایی همچون اعطای یارانه بیمه‌ای (تأمین پوشش‌های بیمه‌ای پایه با استفاده از منابع حاصل از یارانه‌ها و ایجاد فراگیری در بیمه‌ها و ...)، اعطای یارانه کالایی یا کالای یارانه‌ای (اعطای سبد کالا یا تأمین اعتبار خرید کالاهای اساسی) و همچنین اعطای یارانه معطوف به مدیریت مصرف (مثلاً معافیت از پرداخت آب و برق در سطح مصارف پائین خانوارها و ...) بهره‌گرفت (حیدری، ۱۳۹۲). در همین راستا باید متذکر شد که یکی از معضلات همیشگی سازمان تأمین اجتماعی، فقدان زیرساخت‌های قوی بیمه پایه است. خوشبختانه در این مرحله از طرح هدفمندی یارانه‌ها قرار است افراد فاقد پوشش پایه درمانی، تحت پوشش بیمه پایه درمان رایگان قرار گیرند و این زیرساخت باعث می‌شود که توقعات حمایتی از تأمین اجتماعی به عنوان یک سازمان بیمه‌گر کاهش یابد. ضمناً به موجب تبصره ۲۱ قانون برنامه و بودجه سال ۹۳ در رابطه با هدفمندسازی یارانه‌ها قرار است ۴۸۰۰ میلیارد تومان از منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و مبالغ حاصل از انصراف مردم از دریافت یارانه‌های نقدی، برای تأمین بیمه پایه درمان صرف شود که باعث کاهش سرریزهای حمایتی به تأمین اجتماعی می‌شود. به این ترتیب این امیدواری وجود دارد که دست کم بخشی از مشکلات کنونی در این بخش کاهش یابند.

استفاده از ظرفیت‌های پژوهشی: نکته آخر این که تشکیل شورای پژوهشی ویژه در سطح ستاد دستگاه‌های اجرایی یا با محوریت موسسات پژوهشی مستقل و وابسته برای طراحی، اجرا و ارزیابی تحقیقات اصیل و کاربردی به منظور تبیین ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی و نیز تدارک دانش لازم جهت عملیاتی شدن سند مربوط

و تدوین برنامه‌های مشخص برای اجرایی شدن بندها، حائز اهمیت است. همچنین باید شاخص‌های ارزیابی میزان و نحوه حرکت به سمت اجرای سند، مشخص شوند. آینده، ثبات، امنیت و رفاه فرزندان و نسل‌های آتی در گرو میزان اجرایی شدن این سند است لذا باید برنامه‌های سنجش پذیری موجود باشند تا نشان دهند در هر بازه زمانی، چقدر به اهداف مد نظر نزدیک شده ایم. تحقق این مهم نیازمند بهسازی وضعیت علمی کشور برای پایه ریزی یک اقتصاد دانش بنیان است.

نتیجه گیری:

بسیاری از اساتید حوزه اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه شناسی بر این باورند که علوم اجتماعی بازوی اصلی کشور در بحث ایجاد زیرساخت‌های نظری برای پیشبرد اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود. اقتصاد مقاومتی یکی از طرح‌های عظیم چندوجهی است که قبل از ورود به آن باید مبنای تئوریک و بنیانی‌اش کاملا درک، تشریح و روشن گردد. علوم انسانی باید با انجام پژوهش‌های گوناگون و البته با تخصیص اعتبار مشخص به آن، زیربنای طرح اقتصاد مقاومتی باشد. یعنی با بررسی کارشناسانه ساختار اجتماعی ایران چگونگی بسیج عمومی جامعه را در میان مدت و بلندمدت بررسی کند و در این راه از مولفه‌های علمی و تخصصی برای ایجاد جامعه مقاومتی بهره گیرد. در کنار این موضوع، جامعه‌شناسی باید چگونگی افزایش قدرت و مقاومت عمومی و همچنین گسترش روحیه وفاق جمعی را مورد بررسی قرار دهد تا با توجه به پشتوانه تاریخی-اجتماعی ایران به نوعی بازوی تبیین اجتماعی برای اقتصاد مقاومتی تبدیل شود.

در یک جمع بندی کلی باید گفت از مهم ترین شرایط فرهنگی- اجتماعی اجرای اقتصاد مقاومتی این است که اولاً اقتصاد مقاومتی برای مردم به درستی و به طور کامل و روشن تشریح شود و اعتماد و مشارکت عمومی کاملا جلب شود و به ویژه نخبگان

این طرز تلقی را بپذیرند، چون همکاری و مساعدت هر دو گروه در جای خود مهم است. دوم این که مبانی ارزشی- اخلاقی مرتبط (مانند تقوا، کار برای خدا، خیر انگاشتن ثروت، ارزشمند دانستن کار، پایبندی به عهد و پیمان، رعایت انصاف، حق طلبی و زهد و پارسایی) به صورت گفتمان ترویج شود. سوم این که تلاش کنیم تا از نوعی فرهنگ مقاومت مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی بهره‌گیری شود. چهارمین نکته توجه به این مطلب است که مبنای اجتماعی اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف در سطح جامعه از طریق فرهنگ سازی و سایر اقدامات مکمل می‌باشد. لازمه این کار مخالفت با اسراف و مصرف زدگی و تجمل‌گرایی غیر ضروری به ویژه در سطوح بالایی جامعه و در مواقع بحران است. به این ترتیب می‌بایست نخبگان و مسئولان رده بالا، دولت، صدا و سیما و معلمان و سایر گروه‌های مرجع، مبانی فرهنگی- اجتماعی اقتصاد مقاومتی را به تدریج گسترش داده و اقدامات لازم را برای تقویت و تحکیم آن به انجام رسانند.

به عنوان نمونه اگر قرار باشد اقتصاد کشور در مقابل بحران‌ها، تحریم‌ها و مخاطرات بین المللی مقاومت نماید می‌بایست یک بسته سیاستی خدمات اجتماعی مبتنی بر تأمین اجتماعی تدوین و به مورد اجرا گذاشته شده و طیفی متناسب و منطقی از خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌های اجتماعی برای مردم به طور کلی و به ویژه برای اقشار نیازمند و گروه‌های آسیب پذیر هدف طراحی و ارائه گردد. این امر از آن رو حائز اهمیت است که اغلب تغییرات و تصمیمات اقتصادی دارای تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر معیشت و سلامت مردم می‌باشند لذا ضروری است یک نظام تأمین اجتماعی فراگیر و باکفایت، مسئول صیانت از مردم در این دوران باشد. این موضوع از منظر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی، بدین سبب اهمیت می‌یابد که اکثر این نهادها از نظر پشتوانه و توان مالی و

نیز مقایسه ورودی‌ها و خروجی‌های صندوق‌ها در منطقه خطر قرار دارند و بخش وسیعی از آنها در حال حاضر نقش ادارات پرداخت انتقالی به افراد آسیب پذیر را ایفاء نموده و از اعتبارات، منابع و کمک‌های دولت برای ایفای وظایف بیمه‌ای خود بهره می‌گیرند، یعنی وارد فاز حمایتی شده‌اند. افزون بر آن پیش بینی می‌شود در صورت تداوم شرایط کنونی، این نهادها با توجه به قوانین نامساعد و مغایر با اصول و قواعد فنی- بیمه‌ای که محل بحث کارشناسان مختلف است، به تدریج در شرایط بحرانی قرار خواهند گرفت و به همین علت لازم است مراجع ذیربط در حوزه‌های مسائل اقتصادی و اجتماعی، با نگاه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در اسرع وقت نسبت به تدوین خط‌مشی‌های لازم و تنظیم مقررات مرتبط با آن اقدامات لازم را معمول دارند. قطعاً اگر نهادهای اجتماعی به جای یار دولت به بار دولت تبدیل شوند نه تنها کمک موثری نخواهند بود بلکه حرکت دولت را نیز کند می‌کنند و با وجود فشارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، در آینده دولت را دچار چالش‌های جدی خواهند نمود.

در مجموع در دسترس بودن ثمرات حاصل از اقتصاد مقاومتی از طریق نمایش نتایج کوتاه مدت مطلوب آن، باور عمومی مردم را نسبت به اثربخشی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی افزایش می‌دهد و خود محرک تقویت و تحکیم بیشتر این رویکرد خواهد بود. هر یک از ابعاد مطرح شده در این نوشتار در واقع یک محور از مولفه‌های فرهنگی- اجتماعی موثر بر اقتصاد مقاومتی یا مرتبط با آن را به طور مختصر مورد توجه قرار داده‌اند. با تبدیل این محورها به سیاست‌های اجرایی یا برنامه‌های عملیاتی مشخص در حوزه فرهنگی- اجتماعی، می‌توان برای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در کشور با کمک همه دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی، مردم و نهادهای غیردولتی بسترسازی مناسبی را صورت داد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری

متن ابلاغیه مقام معظم رهبری به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صفا آرای کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصا سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد. لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم‌جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲

متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی:

- ۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط
- ۲- پیش‌تاری اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه
- ۳- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور
- ۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی
- ۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه
- ۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص
- ۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)

- ۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید
- ۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی
- ۱۰- حمایت همه جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارز آوری مثبت از طریق:
- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم
 - گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز
 - تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات
 - برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه
 - استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز
 - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف
- ۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج
- ۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای
- ۱۳- مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش
 - افزایش صادرات گاز
 - افزایش صادرات برق
 - افزایش صادرات پتروشیمی
 - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی
- ۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به ویژه در میدان مشترک
- ۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع
- ۱۶- صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضروری و هزینه‌های زاید
- ۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی
- ۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت
- ۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...
- ۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه

- ۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی
- ۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگی سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:
- شناسایی و به کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب
 - رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن
 - مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی
- ۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار
- ۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن

منابع:

۱. ابطحی، سید حسین، ۱۳۸۹، مدیریت منابع انسانی، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو، ویرایش اول، چاپ هفتم
 ۲. اخوان، محمد جواد، ۱۳۹۲، ضرورت تمهید فرهنگی اجتماعی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، روزنامه جوان، دهم اسفندماه
 ۳. خسروی پور، بهمن، برادران، مسعود، غنیان، منصور، منفرد، نوذر، گودرزی، زهرا، ۱۳۹۰، بررسی ضرورت و ویژگی‌های یک تعاونی کشاورزی کارآفرین، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۵
 ۴. جهانیان، ناصر، ۱۳۹۲، شرایط فرهنگی و اجتماعی اقتصاد مقاومتی، پایگاه خبری-تحلیلی اقتصاد مقاومتی، هیجدهم اسفندماه
 ۵. حیدری، علی، ۱۳۹۲، نقش حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در اقتصاد مقاومتی، <http://www.tamin.ir>
 ۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، هفدهم اردیبهشت ماه
 ۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، پاسخ رهبر انقلاب به ۱۰ پرسش درباره اقتصاد مقاومتی، khamenei.ir
 ۸. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بیستم اسفندماه
 ۹. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۲۹ بهمن ماه
 ۱۰. خنیفر، حسین، احمدی آرم، هادی، زمانی فر، محسن، ۱۳۸۹، کارآفرینی خانگی: انگیزه‌ها و نقش عوامل جمعیت‌شناختی در آن، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره نهم
 ۱۱. عربی، حسین، ۱۳۹۲، اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره دوم، فصل بهار
 ۱۲. نوبخت، منیره، ۱۳۹۲، مصاحبه با خبرگزاری دانشجویان ایران، هفتم اسفندماه، <http://isna.ir>
13. Salah R. Agha, 2008, [a Multi Criteria Crop Planning Model Based on the "Resistive Economy" Characterizing the Situation in Gaza Strip](#), Faculty of Islamic Studies - Sustainable Growth and Inclusive Economic Development from an Islamic Perspective, 8th International Conference on Islamic Economics and Finance